مشق استاد

نکاتی درباره «درآمدی بر خوشنویسی ایران»

یک سروگردن بالاتر از تالیفات خارجی

آیدین آغداشلو
نقاش و منتقد هنر

«درآمدی بر خوشنویسی ایران» کتاب بسیار لازم و مهمی است. در یک بررسی به‌خاطر نحوه پژوهش و وسعت معلومات مولف که خود سال‌هاست تحقیقات متعددی را درباره بخش‌هایی از خوشنویسی ایرانی انجام داده و منتشر کرده است و از سوی دیگر با در نظرگرفتن کمبود تالیفات ایرانی درباب خوشنویسی ایرانی، جای خالی تحقیقات دسته‌اول در این زمینه را پر می‌کند. کتاب «درآمدی بر خوشنویسی ایران» در حجم قابل‌توجه و در گستردگی موضوعات متعدد مربوط به تاریخ خوشنویسی ایرانی، صاحب اهمیت و کیفیت ویژه‌ای است و برای هر هنردوست علاقه‌مندی قطعا می‌تواند منبع رجوع قابل اطمینانی باشد. بدیهی است تالیفات متعددی در این زمینه در سال‌های دور انجام شده و این تالیفات بخشی به‌صورت تذکره‌ها و شرح‌حال خوشنویسان بوده است که عمرشان به قرن‌های دور می‌رسد و شاید در زمینه هنر خوشنویسی جای خالی چندانی به‌نظر نرسد اما در واقع، بیشتر این تذکره‌ها فقط و فقط شرح حال خوشنویسان قدیمی ایرانی هستند و به‌صورت منابع تاریخی می‌توانند استفاده شوند و تقریبا تمام اینها از عنصر نقد و پژوهش، جست‌وجوی مبانی زیبایی‌شناسی و ارتباط خوشنویسی با عرفان و حکمت ایرانی در گذشته خالی‌اند. تالیفاتی که در طول دو قرن گذشته هم صورت گرفته است، قادر به توضیح و تبیین چندوچون جوهره خوشنویسی ایرانی نیستند. شاید بعضی از پژوهش‌های قابل‌توجهی در طول ۴۰سال گذشته انجام شده که تعداد آنها نیز چندان زیاد نیست از جمله تالیف آقای علیرضا هاشمی‌نژاد در این زمینه و مقاله‌های پراکنده‌ای که بعضی از محققان جوان مانند آقای صحرانورد و دیگران در این زمینه انجام داده‌اند و اینها همه بعد از تالیف کتاب مرحوم فضائلی سرفصل جدیدی را برای اهل علاقه گشوده‌اند. کتاب آقای قلیچ‌خانی، از بهترین نمونه‌های تالیف‌شده در دو دهه گذشته است و می‌تواند با تالیفات خارجی در این زمینه (از جمله خانم آنه ماری شیمل و شیلا کمری) برابری کند و حتی سروگردنی نیز از آنها بالاتر بایستند. بابت تالیف کتاب به آقای قلیچ‌خانی تبریک می‌گویم و از چاپ قابل‌توجه و قابل بهره‌وری آن به صورت حاضر خوشحالم. این کتاب از زمان چاپ تا به امروز به‌صورت یکی از منابع رجوع من درآمده است.

حمیدرضا قلیچ‌خانی، نویسنده اولین کتاب مرجع خوشنویسی:

از گرفتن سهم خودمان غفلت کرده‌ایم

آرزو مهرانگیز

سال‌هاست در باب خوشنویسی بحث‌های فراوانی مطرح می‌شود؛ درباره اینکه آیا خوشنویسی هنر است یا صنعت. در واقع از آنجا که از دیرباز خوشنویسی هنری کاربردی به شمار می‌رفته عده‌ای بر این باورند که خوشنویسی هنر نیست اما این روزها با ورق‌زدن کتاب «درآمدی بر خوشنویسی ایرانی» به تالیف دکتر قلیچ‌خانی که توسط انتشارات فرهنگ معاصر به بازار آمده می‌توان در این بحث به نفع «هنر»بودن خوشنویسی تامل کرد. این کتاب ارزشمند که به‌درستی بیشتر صفحات خود را به انتشار نمونه خطوط به‌جا مانده از تاریخ پرفرازونشیب خوشنویسی در ایران و نمونه‌های عالی آن اختصاص داده، حکایت از این دارد که ایرانیان به خوشنویسی به صرف کاربرد آن در کتابت نمی‌نگریسته‌اند و از همان آغاز اصول زیبایی‌شناسی برای هنرمندان این عرصه اهمیت داشته و اصلا از همین‌رو است که مبدع خطوطی مثل نستعلیق شده‌اند. کتاب درآمدی بر خوشنویسی ایرانی درواقع نخستین کتاب مرجع درباره خوشنویسی ایرانی است که روانه بازار نشر شده است و با وجود قدمتی که این هنر نزد ایرانیان دارد، این مساله جای تعجب فراوان دارد که چگونه پژوهشگران ما به این سمت نرفته‌اند. دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی در سال ۱۳۶۸ آزمون دوره ممتاز خط نستعلیق و ثلث را با موفقیت گذراند و دوره ممتاز خط ثلث را در محضر سیدمحمد حسینی‌موحد و فوق‌ممتاز را در سال ۱۳۶۸ زیر نظر استاد غلامحسین امیرخانی سپری کرد. وی از پژوهشگران شناخته‌شده کشورمان است. او در پنج‌فصل پژوهش درباره خوشنویسی ایرانی را از پیدایش زبان و خط در ایران و مرور خط‌های رایج در عصر هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان آغاز کرده و سپس به مرور تاریخ خوشنویسی در دوره‌های مختلف تا عصر حاضر ادامه می‌دهد. در این کتاب با فصل‌هایی با عنوان «آموزش خوشنویسی»، «شعر و خوشنویسی» و «رساله‌های آموزشی خوشنویسی» نیز روبه‌رو می‌شویم. اما از ویژگی‌های برجسته این کتاب می‌توان به این نکته اشاره کرد که در صفحات پایانی کتاب و پیش از شرح تصاویر و نمایه فهرست کاملی از هنرمندان عرصه خوشنویسی ارایه شده که جامعه آماری این فهرست دربرگیرنده کاتبان و خوشنویسانی است که در روند تولید آثار نفیس و ارزشمند یا پیدایش و تحولات خط یا سبکی در خوشنویسی نقش داشته‌اند و گاه هنرمندان گمنامی را دربرمی‌گیرد که تاکنون معرفی نشده‌اند. با دکتر قلیچ‌خانی خطاط و پژوهشگر به گفت‌وگو نشستیم.

عکس: سیاوش میرزایی مهر

حالی است که کشورهای ترک آن را متعلق به خود می‌دانند.

آیا می‌توان امیدوار بود با این کتاب طلسم پژوهش درباره خوشنویسی شکسته شود و دیگران نیز پا در این عرصه بگذارند؟

البته به‌نظر من کارهای خوبی هم در گذشته و هم در حال حاضر انجام شده و می‌شود اما نکته در اینجاست که اینها درخور و شایسته این هنر اصیل و بنیادی نیست. به‌نظرم با انتشار انگلیسی کتاب دیگر من که «فرهنگ اصطلاحات خوشنویسی» نام دارد که توسط قدیمی‌ترین و معروف‌ترین ناشر جهان، انتشارات بریل در لیدن هلند قرار است صورت گیرد، این قدم برداشته شده و امیدوارم همان ناشر این کتاب را هم برای ترجمه و انتشار در سراسر دنیا انتخاب کند.

آیا به واقع ما کشوری هستیم که بنا به استدال‌های کتاب شما پیشینه هزاران‌ساله در داشتن خط و زبان داریم، نقش ما در عرصه خوشنویسی مهم‌تر از دیگران است؟

بله. شناخت ریشه‌ها و داشتن پیشینه نکته‌ای مهم است. اروپا و آمریکا با این حجم از هنرهای تجسمی در سده‌های اخیر و پژوهش‌های فراوان در حوزه هنر، هیچ‌گاه نمی‌توانند که زیبانویسی خط خود را به هنری چون خوشنویسی ایرانی یا چینی برسانند. این پشتوانه غنی به شرط درست معرفی و استفاده شدن، اهمیت بسیاری دارد.

برای روایت داستان خوشنویسی ایرانی، از زمان پیدایش خط در ایران آغاز کردم چون پیشینه فرهنگی چندین هزارساله ایران و ایرانی در زمینه داشتن انواع خطوط و حتی تلاش برای زیبانویسی باعث شده که سهم بسزایی در تحولات این هنر داشته باشیم. این مقدمه ذهن را آماده می‌کند تا وقتی به نام کسی چون ابن‌مقله فارسی می‌رسیم، باور کنیم او یک ایرانی بوده است. من این شیوه پژوهش را از پژوهش‌های ادبی وام گرفتم. شما در کتاب‌های پژوهشی ادبیاتی هم که ببینید هیچ‌وقت تاریخ شعر را از رودکی که پدر شعر است شروع نمی‌کنند. آنجا هم اشاره‌هایی به تاریخ زبان و خط می‌شود.

به ابن‌مقله فارسی اشاره کردید که کتاب را هم به او و یاد او هدیه داده‌اید. شما در این کتاب تاکید زیادی دارید تا «ابن‌مقله» که مبدأ خطوط شش‌گانه است را بیشتر از آن ایرانی بدانید. این در اول این است که دیگرهای ترک آن را متعلق به خود می‌دانند.

اول این را بگویم که مبنای هر پژوهشی را باید پژوهشگر در همان ابتدای امر مشخص کند. من در کتاب اشاره کرده‌ام جامعه آماری خوشنویسی ایرانی که درباره‌اش این پژوهش را نوشته‌ام دو محدوده را دربر می‌گیرد؛ اول جغرافیای ایران و دوم شخصیت‌هایی که به‌راحتی از نام و پسوند فامیل آنها می‌توان تشخیص داد که ایرانی هستند. مانند پسوند اصفهانی یا شیرازی یا همین عنوان فارسی که به دنبال نام ابن‌مقله فارسی هست. کسانی هم هستند که حتی ممکن است ایرانی نباشند و به ایران سفر هم نکرده باشند، اما تمام خطوطشان اشعار فارسی است یا به نستعلیق نوشته‌اند و به همین دلیل به فرهنگ ایرانی خدمت کرده‌اند. این جامعه آماری کتاب است. بعد می‌رسیم به کسی چون «ابن‌مقله» فارسی که در دربار عباسیان وزیر بوده و زبان و خطش فارسی نیست اما داستان این است که او در جغرافیای ایران زاده و بزرگ شده و آن روزگار خط رسمی آن چیزی بوده که می‌نوشته. واقعیت این است که هیچ‌کس نمی‌تواند اینگونه مفاخر فرهنگی ما را تصاحب کند مگر اینکه خود ما کم‌کاری کنیم. برای همین هم کتاب را در ابتدا به او تقدیم کردم تا سهم کسانی چون«ابن‌مقله» در تاریخ ما فراموش نشود و دیگرانی چون ترک‌ها و عرب‌ها آن را به خود نسبت دهند. در واقع خطوط شش‌گانه زیر سلطه فرهنگ اسلامی رشد کرده و چند قرن بعد خطی مانند خط تعلیق به وجود آمد که می‌توان آن را صددرصد ایرانی دانست یا بعدتر خط نستعلیق شد خط ملی ایرانی که دیگر نمی‌توانند ایرانی‌بودن آنها را زیر سوال ببرند. اما در موارد پژوهش سخت می‌شود مثلا یک خوشنویس صرفا به این دلیل که تاریخ کارهایش را به قمری در زیر یک کتیبه نوشته که رسم آن دوران بوده یا نامش باز به رسم آن دوران پسوند ال داشته به جغرافیای عرب نسبت داده می‌شود. اینجاست که ما نیاز داریم پژوهش کنیم و سمینار بگذاریم و یاد افرادی مثل ابن‌مقله را مدام پاس بداریم تا استدلال‌های ما نیز که مبنای پذیرفته‌تری دارد، شنیده شود. اما ما معمولا دست روی دست می‌گذاریم تا دیگران سهم ما را به نام خود بزنند. در این روزگار هر کس دارد سهم خودش را از فرهنگ جهانی ثابت می‌کند و ما هم نباید غافل باشیم.

اما یک جواب روشن دیگر هم به سوال شما درباره ابن‌مقله و ترک‌ها دارم. در این مورد باید ترک‌ها را به منابع دست‌اول خودشان چون: «مناقب هنروران» و «تحفه خطاطین» ارجاع داد. در آنجا سهم ایران تا حد زیاد و درستی محفوظ است و خودشان پذیرفته بودند که هنرهای کتابتی و کتاب‌آرایی‌شان تحت‌تاثیر ایران است و برای مثال واضع نستعلیق، میرعلی تبریزی است. اما امروزه که برخلاف شعر، دهکده جهانی هر تمدنی در حال مشخص‌کردن و گرفتن سهم خود و بر اثر زیاده‌خواهی، بخشی از سهم دیگران است، معتقدند که نام این خط، تعلیق است و از فضای سیاسی حاکم بر خاور میانه سوءاستفاده کرده و خواهان سهمی بیش از استحقاق خود هستند. ابن‌مقله در بیشتر منابع به: فارسی (اهل فارس) و بیضاوی و شیرازی نسبت داده شده است و نباید از این نکته غافل باشیم و کوتاه بیاییم.

این کتاب را بیشتر برای چه قشری آماده کرده‌اید؟

برای خوشنویسان، دانشجویان هنر و هر شخص تحصیلکرده که علاقه‌مند به فرهنگ و هنر ایران باشد. همین جهت نامش را «درآمدی بر خوشنویسی ایرانی» گذاشتم و تلاش کردم بیش از حد وارد مباحث فنی و تحلیلی خوشنویسی نشوم و به بنیادها بپردازم.

خود شما مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب را در چه می‌بینید؟

نخست اینکه این اثر نخستین کتاب با عنوان «خوشنویسی ایرانی» در تاریخ خوشنویسی است. این نشان می‌دهد که ما از گرفتن سهم خودمان به ویژه در جهان معاصر غفلت ورزیده بودیم. دیگر اینکه کتابی به این اختصار نداشته‌ایم که از پیدایش زبان و خط در ایران تا دوره معاصر را همراه با بیش از ۳۵۰ تصویر در یک جا ارایه کند. من ۲۰سال است این تصاویر را جمع می‌کنم و در واقع هر سفری که می‌روم بر این آرشیو اضافه می‌کنم. نیتم این بود اگر یک روز قرار بود مرکز پژوهشی در این‌باره راه‌اندازی شود ما یک آرشیو جامعی داشته باشیم. اما قسمت شد در این کتاب نمونه‌های زیادی از این آرشیو را منتشر کنم که به نظرم این کتاب را تبدیل به یک آلبوم بصری از نمونه‌های خطوطی کرده که دسترسی به آنها ساده نیست و هر شخص می‌تواند فارغ از بعد پژوهشی برای داشتن یک آلبوم تصویری هم این کتاب را تهیه کند. بیشتر پژوهش‌های خوشنویسی به دست استادان تاریخ هنر صورت گرفته است و نمونه آشکار آن استادان غیرایرانی هستند که گاه آشنایی کافی با اصول عملی این هنر ندارند. یکی از امتیازات این کتاب این است که مولفش افزون بر پژوهشگر و فرهنگ‌نویس‌بودن، از سده‌ها گذشته زیرنظر بزرگ‌ترین استادان خوشنویسی ایرانی آموزش دیده و بر ظرایف عملی و تکنیکی این هنر هم تسلط لازم را دارد.

البته شما یک بخش آموزشی هم در کتاب گنجانده‌اید که همان هم می‌تواند برای بسیاری از علاقه‌مندان مفید باشد.

بله، این بخش را در پایان تدوین اولیه به کتاب اضافه کردم. خیلی از همکاران بر من خرده گرفتند که خب این تاریخ خوشنویسی که نوشته‌ای یک سیر آموزشی نیز داشته است، مثلا اینکه در دوره کوفی چه قلمی بوده و باید جواب داد که آیا آن مرکب امروز هم هست یا نه. خب نمی‌شد این کتاب را جامع دانست مگر در صورتی که بگوییم وقتی از قلم خوب سخن می‌گوییم منظورمان چه قلمی است یا اصول و قواعد هنری که از آن حرف می‌زنیم، چیست. البته به اختصار به این بخش پرداخته شده چون هدف اصلی آموزش نبوده، بلکه نگاه به جنبه آموزشی این هنر بوده است.

بخش نقاشیخط در کتاب کوتاه پرداخته شده در حالی که یکی از شاخه‌های مهم خوشنویسی معاصر ماست. آیا در کتابی دیگر درباره آن خواهید نوشت؟

به ناشر کتاب «فرهنگ معاصر» قول داده‌ام تا کتابی مستقل با عنوان «خوشنویسی معاصر» بنویسم. چنین پژوهشی در اصل مکمل همین کتاب خواهد بود و در آن دیدگاه‌های تحلیلی‌ام را از منظر کسی که خودش ۳۰سال در گود این هنر بوده، مطرح خواهم کرد. امیدوارم تا سال ۱۳۹۵ بتوانم کتاب خوشنویسی معاصر را به پایان برسانم.

مکعب سفید

در حاشیه نمایشگاه رضا عظیمیان در گالری اثر

هزارپارگی ذهن

مریم مجد
استاد دانشگاه

هشت‌نقاشی قرمز و سیاه و سفید. همه در سه‌لایه: پس‌زمینه تخت سیاه یا قرمز، سوژه‌ای در مرکز و علایم و نشانه‌هایی سوار بر آن. همه با محوریت موجود زنده‌ای نرم و زیبا: زن، گربه و اسب. همه با عناوینی به ظاهر بدون ارتباط با تصویر. چهره زنی گیره‌به‌سر با عنوان + برای بهار و تابستان، چهره گربه‌ای گیره‌به‌گوش با عنوان + یک فنجان چای و همه موکد حضور غالب نقاش. او همه‌چیز را در ترکیبی از سه‌رنگ کشیده. به سر، گوش و صورت تصاویر محوری‌اش چیزی اضافه کرده، یا آنها را از بستر خود بریده و در مکانی دیگر قرار داده یا پرده‌ای تار رویشان کشیده است.

۱ در هر تابلو، نقاش تصویری را انتخاب کرده است. فرقی هم نمی‌کند از کجا - دنیای ملموس یا مجازی. آنها را به دلخواه پالوده است. منظره پشتشان را حذف کرده یا موهایشان را افشان کرده است. تارشان کرده، رویشان علایم مدارهای الکترونیک گذاشته یا در قعر سیاهی قرارشان داده است. آنچه بسیار به چشم می‌آید تضاد و دوگانگی است. تضاد بین درخشش قرمز و خفتگی سیاه. میان خواب آرام و حجم انبوهی از خلأ و تاریکی. بین نرمی سطوح مات و تیزی گیره‌های تاج‌مانند و تلخی چهره زن، میان فرم‌های نیم‌گرد بادبزن و نقوش هندسی سخت‌افزاری. نرمی و ملوسی گربه‌ای ایرانی یا چشم کور و گوش کشیده‌شده‌اش؟ زیبایی و نگاه نافذ دختر یا گیره‌های رختِ به سرش؟ کرنش با شکوه اسب یا فک بسته به پشت و سلام پردردش؟

۲ ارتباط منقطع است. موضوع مفهوم نیست. منم یا اثر؟ موضوع شاید همین است. عدم برقراری ارتباط. عدم «توان» یا عدم «تمایل» یا عدم «امکان» برقراری ارتباط؟ منم یا او؟ هزارپارگی ذهن. ذهن من یا نقاش؟ هزارپارگی تصویر هم دلالت بر همین دارد، شاید. اشیا و

بخشی از اثر

نشانه‌های افزوده بر تصویر هم همین‌طور. گیره حکایت از دغدغه و ترس و نگرانی و درد دارد و سیاهی پشت دختر خفته نشان از خلأ اجتماعی یا عاطفی اوست. سبک‌بالی ناشی از چرخاندن سر و افشان‌کردن مو در مداربسته‌ای رخ می‌دهد که باید از نو خاموش و روشن شود. و انتخاب عنوان گوشواره‌ای سیاه یک و دو برای نمای از دور تمام مخدوش یک زن و نمای از نزدیکِ کمی مخدوش زنی دیگر؟ ارتباط منقطع است و موضوع‌نامفهوم؟

۳ آثار این مجموعه، به سادگی و وضوح، فیگوراتیو و بازنمودی‌اند؛ هم از منظر زیبایی‌شناسی و هم نشانه‌شناسی. درعین حال تاکیدهای نقاشانه و عنصر تکرار، آنها را از فاز روایی خارج می‌کند. هیچ تابلو بیانگر مکان و زمان و داستان مشخصی نیست. هیچ تابلو حسی عاطفی یا هیجانی در مخاطب برنمی‌انگیزد و حسگر خاطرات یا تجربیات فردی او را فعال نمی‌سازد. نقاش با آگاهی کامل و به عمد بر ایجاد این فاصله تاکید دارد؛ فاصله‌ای که دغدغه‌ای اوست و بسیار نقاشانه و با قدرت بیان دیداری‌اش آن را منتقدانه در معرض دید مخاطبانش قرار می‌دهد؛ فاصله‌ای میان ما و افکارمان. میان ما و دیگران. میان ما و درک عمومی‌مان و تاثیر آن در ارتباطات فردی و اجتماعی‌مان. فاصله‌ای که زاییده اغتشاش فکری و عدم حضورمان در مواجهه و دریافت است. بیان زیبایی‌شناسانه رضا عظیمیان در این مجموعه فاصله‌گذارانه است و مواجهه‌ای آگاهانه (در تضاد با منفعلانه) طلب می‌کند. او برای طرح موضوعی انتقادی، روش برخوردی انتقادی در تکنیک و موضوع نقاشی‌اش برگزیده و مخاطبش را در مسیری انتقادی هدایت می‌کند و با ایجاد فاصله میان او و اثر، فاصله‌ای را که نتیجه آشفتگی فکر و عدم تمرکز و «حضور» می‌داند و مسبب عدم برقراری ارتباط، به «زیبایی» نشان می‌دهد.

جدول ۱۹۲۶

افقی:

۱- آنکه به حساب‌ها و دفاتر حسابداری یک موسسه یا سازمان رسیدگی می‌کند- واژه احترام‌آمیز و رسمی برای مخاطب مفرد ۲- «مبنا» در ریاضیات- چاقوی آشپزخانه- معیار ۳- گیاهی از خانواده شب‌بو- از قرآورده‌های گوشتی- از تقسیمات قرآنی ۴- شکوه- از اعداد ترتیبی- لنگه- خوراک مختصر میان وعده ۵- احسنت- چگونگی- اسب آذری ۶- موسس پیشاهنگی- طنزپرداز- رهرو ۷- در مقابل سیر- شیوه معماری اروپای باختری از سده ۱۲ تا ۱۶ میلادی- غزال ۸- واحد ورزش بوکس- درخت بزرگ و پر شاخ و برگ چتری- طرف مقابل در یک رقابت یا مبارزه ۹- پست و فرومایه- مجهز گردانیدن- آدرس سردستی ۱۰- متاع- فرض و گمان- ژن‌های ناهمسان مجاور ۱۱- یادداشت- ادامه دار- آبادانی ۱۲- شهری در هلند- تعجب خانمانه- یک حرف و سه حرف- عدد ورزشی! ۱۳- بهره معنوی- مامور سیاسی یک دولت در نزد دولت دیگر در غیاب سفیر- غذایی ساده از تخم‌مرغ و گوجه‌فرنگی ۱۴- خودداری از پرداخت پول برات یا حواله- سریع- شاعر غزل سرای قرن ششم هجری ۱۵- یکی از سه‌رکن مقدس مسیحیت-انتزاعی.

عمودی:

۱- لتراست- مرتجع فلزی ۲- نوعی نی باریک که از آن قلم درست می‌کنند- تیز- بلوز کشباف ۳- اولین انسان- عنصری به رنگ خاکستری و شکننده با ترکیبات سمی- آشکاری ۴- بدون قصد و منظور- چوب خوشبو- شگون- نت منفی! ۵- خاک کوزه گری- جای گود خطرناک- اسطوره یونانی که پدرش را در کشتن معشوق مادرش یاری داد ۶- پنهان شدن در جایی برای حمله غافلگیرانه- رهایی از وضعی دشوار یا ناخوشایند- کرانه آسمان ۷- ویتامین جدولی- بی‌خبر و نامنتظر- شهری در استان لرستان ۸- وضع یا چگونگی چیزی- مرکز امور مالی سوییس- نشانی ۹- تپش- پخش- حرف ندا ۱۰- جامه بلند جلوباز بی‌آستین- نام امام سوم شیعیان- کارها ۱۱- سازمان اطلاعات و امنیت کشور در زمان طاغوت- وبا- دشنام ۱۲- عموی تازی- آسان- آزاده دشت کربلا- ارفاق ۱۳- اکنون و حالا- قافله- بازنده شطرنج ۱۴- سگ فضانورد- اندام- شجاع و بی‌باک ۱۵- تک و تنها- شاعر و نویسنده فرانسوی خالق کتاب «یک مومیایی».

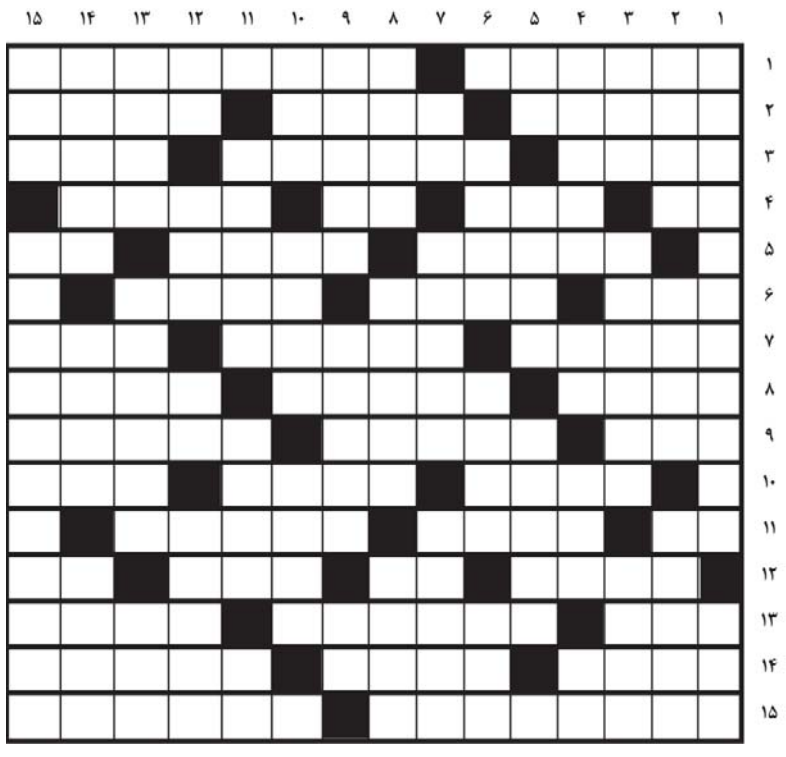

حل سودوکو سخت

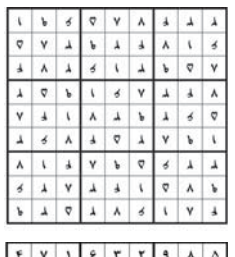

حل سودوکو ۹۲۸

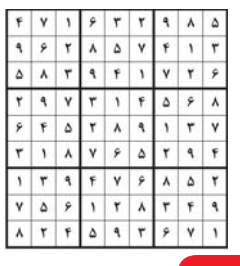

جدول ۱۹۲۵

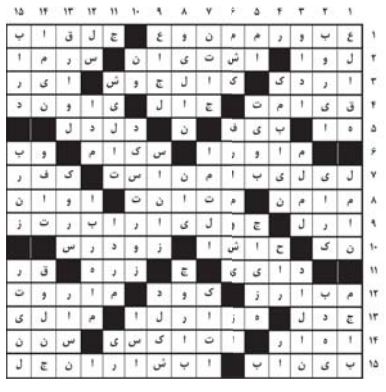

سودوکو سخت ۵۷۸

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۷		۵	۳	
			۱	۴				۶
	۲					۴		
۱			۲	۵				
			۹					
۷	۴	۳						
		۹			۶			
						۳	۸	۵
۲		۴						

سودوکو ۹۲۹

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

					۱			
	۲					۳	۸	
		۸	۲	۳	۹			۷
		۳	۴	۹		۷		۶
۷						۴	۵	۱
				۴	۸			
	۴	۷	۹				۳	
	۳	۲		۷				